

275

دیوان دآوری دعاوی ایران - ایالات متحده

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No. 120 Chamber Two

پرونده شماره ۱۲۰

شعبه دو

حکم شماره ۲-۱۲۰-۲۳۹

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه دآوری دعاوی ایران-ایالات متحده
شیت ثبت - FILED	
Date	20 JUN 1986 ۱۳۶۵ / ۳ / ۲۰
No.	120

خواهان،

چاس تی. مین اینترنشنال اینک.،

- و -

سازمان آب و برق خوزستان، و

وزارت نیروی جمهوری اسلامی ایران،

خواندگان.

حکم

حاضران:

از جانب خواهان:

خانم کارول گودمن

آقای دنیس هارکاوویک،

وکالی خواهان

آقای آر. دلیو. کویا تکووسکی،

نایب رئیس

آقای سی. پی. بنزیگر

آقای جی. ا. کی یرش

آقای اچ. کروزر،

شهود

از جانب خوانندگان:

آقای محمد کریم اشراق،

نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای اکبر شیرازی،

مشاور حقوقی نماینده رابط

آقای بهمن جزایری

آقای اسمعیل نوپری،

نمایندگان فنی سازمان آب و برق

آقای صادق آل محمد،

وکیل سازمان آب و برق

آقای محمد شیروی،

نماینده سازمان آب و برق

سایر حاضران:

آقای جان کروک،

نماینده رابط ایالات متحده امریکا

آقای او. رامبرت

آقای ی.پ. فان روسم

کارشناسان منصوب دیوان

اول - گردش کار

۱ - پرونده حاضر مربوط به ادعاهایی است که مهندس مشاور بابت حق الزحمه کارهای مقدماتی که وی در اجرای برنامه احداث نیروگاه دوم سد کارون، موسوم به پروژه R.S.K. II (نیروگاه دوم سد رضا شاه کبیر) انجام داده، طرح کرده است. مرحله قبلی رسیدگی به این پرونده به صدور قرار اعدادی شماره ۲-۱۲۰-۲۳ مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳ (۵ مرداد ماه ۱۳۶۲) منتهی گردید. در آن قرار، دیوان رای به صلاحیت خویش داده و نظر داد که خواننده سازمان آب و برق خوزستان ("سازمان آب و برق")، با خودداری از پرداخت حق الزحمه کاری که چاس تی.مین اینترنشنال اینک. ("خواهان") طبق قرارداد منعقد فیما بین، انجام داده، قرارداد را نقض کرده است. دیوان به این نتیجه رسید که وجود قرارداد مستند است بر نامه ای که سازمان آب و برق در ژوئیه ۱۹۷۸ برای خواهان فرستاده و (تا حدی هم) به اقدام آن سازمان در تصویب بعدی خدماتی که خواهان اضافه بر میزان مصرح در آن نامه انجام داده است. طرفین پیش نویس قرارداد نهایی را نیز تنظیم کرده بودند که هرگز به امضای سازمان آب و برق نرسید.

۲ - در قرار یاد شده همچنین مقرر گردید که دو نفر کارشناس منصوب شوند. کارشناس اول می بایست راجع به موارد زیر اظهار نظر کند:

۱ - موارد کار انجام شده بوسیله خواهان که طبق ضوابط مطلوب مهندسی، هم برای اجرای خدمات مهندسی مشاور در پروژه دوم رضا شاه کبیر ضروری بود، و هم به کفایت و دقت انجام شده...

۲ - مقدار دقت و نوع کارمندی که طبق ضوابط مطلوب مهندسی، برای انجام چنین کاری با در نظر گرفتن ماهیت کار و شرایطی که کار در آن انجام شده، ضرورت داشته است.

کارشناس شماره ۲ می بایست نظر خود را درباره موضوعات زیر اعلام نماید:

۱ - حق الزحمه ای که خواهان برای انجام چنین کاری حق دارد دریافت کند. برای محاسبه حق الزحمه، باید نرخ های دستمزد مندرج در بخش های ۱(الف) و ۱(ه) و ۱(ح) ضمیمه ۳ پیش

نویس قرارداد بین خواهان و سازمان اعمال و مقدار دقت و نوع کارمند مورد ادعای خواهان، در حدی که کارشناس شماره ۱، ضروری تشخیص می دهد، منظور گردد.

۳ - طرفین در مورد انتخاب دو نفر کارشناس به توافق نرسیدند و لذا دیوان طی قراراعدادی شماره ۳۵-۱۲۰-۲ مورخ ۱۶ مارس ۱۹۸۴ (۲۶ اسفند ماه ۱۳۶۲) آقای او. رامبرت تبعه سوئیس را به عنوان کارشناس شماره ۱ و آقای ی.ب. فان روسم تبعه هلند را به عنوان کارشناس شماره ۲ منصوب کرد.

۴ - دو نفر کارشناس مزبور اسناد و مدارک ذریبط را بررسی نموده و جلساتی هم با نمایندگان خواهان و نیز با نمایندگان سازمان آب و برق در لاهه (۱۹ ژوئیه ۱۹۸۴/۲۸ تیر ماه ۱۳۶۳) و بوستون (۲۳-۲۵ ژوئیه ۱۹۸۴/۳-۱ مرداد ماه ۱۳۶۳) تشکیل دادند. گزارش کارشناسان در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۴ (۲۸ آبان ماه ۱۳۶۳) به ثبت رسید. نظرات خواهان در مورد آن گزارش در ۱۵ آوریل ۱۹۸۵ (۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۴) و نظرات سازمان آب و برق در ۲۱ ژوئن ۱۹۸۵ (۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۴) و الحاقیه های آن در ۲۳ و ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۵ (اول و هفتم مرداد ماه ۱۳۶۴) به ثبت رسید. جلسه استماعی با شرکت خواهان، سازمان آب و برق و دو نفر کارشناس در روزهای ۷ و ۸ آوریل ۱۹۸۶ (۱۸ و ۱۹ فروردین ماه ۱۳۶۵) برگزار شد.

دوم - موضوع مورد اختلاف

۵ - همانطور که در قرار اعدادی شماره ۲ - ۱۲۰-۲۳ مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳ (۵ مرداد ماه ۱۳۶۲) اشاره شد، خواهان بابت کار خود صورتحسابهایی جمعاً به مبلغ ۲,۱۳۴,۰۰۳,۳۲ دلار امریکا تسلیم کرد. صورتحسابهای مزبور به دوره بین تاریخ صدور نامه ارجاع کار به خواهان در ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۸ (۲۶ تیرماه ۱۳۵۷) تا تاریخ دریافت تلکس در ۱۴ مه ۱۹۷۹ (۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) دائر بر توقف عملیات، و "برحیدن" کارها در تاپستان ۱۹۷۹ مربوط است. خواهان از ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۸ تا ۱۲ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۶ تیرماه ۱۳۵۷) تا

۲۱ آذر ماه ۱۳۵۷) هم در ایران و هم در ایالات متحده روی پروژه کار کرد. آخرین گروه از کارکنان خواهان در ۱۲ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۱ آذر ماه ۱۳۵۷) از ایران خارج شد. خروج این کارکنان از ایران معلول شرایط زندگی و کار در ایران بر اثر انقلاب اسلامی بود که طبق نظر دیوان "ادامه کار را برای کارکنان خواهان در آن کشور غیرممکن ساخت" ص ۶ (انگلیسی) قرار اعدادی شماره ۲-۱۲۰-۲۳ (۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳ / ۵ مرداد ماه ۱۳۶۲). پس از ۱۲ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۱ آذر ماه ۱۳۵۷) هر کاری که خواهان در مورد پروژه نیروگاه دوم سد رضا شاه کبیر انجام داده، در ایالات متحده بوده است.

۶ - نظر کارشناس شماره ۱ این بود که خواهان می بایستی در ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ (۷ دی ماه ۱۳۵۷) که پایان دوره حسابداری و روزی بوده که آخرین کارمند خواهان ایران را ترک کرده، کار را متوقف می نمود. نظر مزبور مبتنی بر استنتاجات کارشناس دایر بر آن است که ارتباط بین خواهان و سازمان آب و برق پس از دسامبر ۱۹۷۸ عملاً قطع شد و خواهان به اطلاعات واقعی زمین شناسی مربوط به محلهای مختلف (انتخابی) برای نیروگاه، یعنی اطلاعاتی که قرار بود از طریق برنامه حفاری ناتمام به دست آید، دسترسی نداشت و عدم دسترسی به اطلاعات زمین شناسی به آن معنی بود که کار انجام شده در سال ۱۹۷۹ "نمی توانسته است به وجه کفایت و صحت" انجام گیرد و لذا "دیگر طبق ضوابط صحیح مهندسی عمل نکرده است."

۷ - کارشناس شماره ۲، با استفاده از این نظر کارشناس شماره ۱، صورت حسابها و ضوابط مربوط پیش نویس قرارداد را بررسی کرد و نظر داد که خواهان استحقاق دارد مبلغ ۱,۰۲۲۵,۰۴۶۴/۵۵ دلار امریکا دریافت نماید.

۸ - در جلسه استماع و ضمن اظهار نظر راجع به گزارش کارشناس، خواهان به این نتیجه گیری آقای رامبرت دایر براینکه به کار انجام شده پس از ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ (۷ دی ماه ۱۳۵۷) حق الزحمه تعلق نمی گیرد، اعتراض کرد. خواهان استدلال کرد که یافته های

کارشناس براین فرض مبتنی است که بین خواهان و سازمان آب و برق ارتباط کافی وجود نداشته و از آنجا که عملیات حفاری زمین شناسی در دسامبر ۱۹۷۸ متوقف شده، لذا کلیه کارهای مربوط به پروژه، اعم از اینکه ادامه کار خواهان به نتایج عملیات حفاری مربوط می شد یا ارتباطی بدان نمی داشت، می بایستی به حالت تعلیق درآید. خواهان اظهار داشت که مقدار زیادی از کارهایی که وی در سال ۱۹۷۹ انجام داده ارتباط به عملیات حفاری نداشته است، چه این کارها به ترمیم نواقص در نیروگاه اول سد، کارهای مربوط به مهندسی برق و مطالعه سیستم و بهبود نیروگاه و سد موجود مربوط می شد. در جلسه استماع خواهان شهادت کارشناس را ارائه داد حاکی از اینکه هنگامی که خواهان در سال ۱۹۷۸ ایران را ترک می کرد کلیه تحقیقات و مطالعات محلی، جز برنامه حفاری، تکمیل گردیده بود و موقعی که برنامه حفاری متوقف گشت اطلاعات و ارقام کافی به دست آمده به حدی بود که خواهان می توانست در پوستون به کار خود در طرح نظری نیروگاه دوم رضا شاه کبیر، ادامه دهد. خواهان، مضافاً در جلسه استماع استدلال کرد که اطلاعات زمین شناسی موجود در سال ۱۹۷۹ اطلاعات پایه ای لازم را برای طرح نظری نوع سطح زمینی نیروگاه، در محل مورد انتخاب خواهان که مشکلات زمین شناسی و هیدرولیکی محلهای دیگر را نداشت، به دست می داد. خواهان در جلسه استماع توضیح داد که برنامه حفاری به آن دلیل اجرا می گردید که از بهای مناقصه ها کاسته شود و لذا نتایج آن فقط تا پیش از ارسال اسناد مناقصه به شرکت کنندگان در مناقصه ضروری بود. نامبرده همچنین تأکید کرد که علی رغم ناقص بودن اطلاعات موجود زمین شناسی فوریت پروژه در تصمیم وی به ادامه کار نقش اساسی داشت.

۹ - بعلاوه، خواهان استدلال کرد که تا لحظه ای که کارفرما، سازمان آب و برق، به وی دستور توقف کار را نداد، نامبرده طبق قرارداد و ضوابط صحیح مهندسی ملزم بود کار خود را در مورد آنچه که همواره پروژه ای بسیار اضطراری محسوب می شد، ادامه دهد. خواهان اظهار می نماید که لازمه متوقف کردن کار در دسامبر ۱۹۷۸ این بود که وی جریان و نتیجه انقلاب اسلامی و خواسته های آتی سازمان آب و برق را پیش بینی کند. نامبرده

استدلال می کند که فورس ماژور، انتفای هدف و عدم امکان اجرا وی را از مسئولیت مبری نمی ساخت زیرا کلیه مطالعات و تحقیقات محلی برای تهیه طرح نظری تا دسامبر ۱۹۷۸ تکمیل گردیده و وی ملزم بود که تا موقع فسخ (قرارداد) به کار در پوستون ادامه دهد.

۱۰ - در رابطه با نتیجه گیری آقای رامبرت مبنی بر اینکه خواهان در مورد کاری که انجام می داد، اطلاعات کافی در اختیار سازمان آب و برق قرار نمی داد، خواهان اظهار می دارد که این نتیجه گیری با رای دیوان در قرار اعدادی صادره دایر بر اینکه در مورد کار خواهان اطلاعات کافی در اختیار سازمان آب و برق قرار می گرفته است، مغایرت دارد. از اینرو، خواهان معتقد است که استحقاق دارد حق الزحمه کاری را که در سال ۱۹۷۹ انجام داده، دریافت نماید.

۱۱ - خوانندگان در مورد گزارش کارشناس عمدتا "براین مطلب تاکید می کنند که کارشناسان در حدود وظایف خود ملزم بودند که راجع به این مساله اظهار نظر کنند که آیا کار خواهان با "ضوابط صحیح مهندسی" منطبق بوده یا نه و در عین حال آیا کار "ضروری" بوده و "با کفایت و صحت" انجام گرفته یا خیر، و اینکه کارشناسان فقط بخش مختصری از کار یعنی کار مهندسی برق را که در سال ۱۹۷۸ انجام گرفته، با آن ضوابط منطبق یافته اند. بنا به اظهار خوانندگان، کارشناسان به این نتیجه رسیده اند که کار در سایر موارد یا غیر ضروری، اشتباه و غیرکافی بوده و یا هیچگونه ارزش عملی برای سازمان آب و برق نداشته، و لذا با ضوابط صحیح مهندسی منطبق نبوده است. در مواردی که از نظر خوانندگان کار انجام شده پیش از تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ (۷ دی ماه ۱۳۵۷) غیرضروری، اشتباه و غیر کافی و یا فاقد ارزش عملی بوده، نامبردگان از دیوان تقاضا کرده اند که مبلغ آنها از صورت حسابها کسر شود.

۱۲ - آقای رامبرت طی استماع پرونده، نظری را که در گزارش خود ابراز نموده بود تایید کرد. به نظر وی کارهایی که خواهان در سال ۱۹۷۹ انجام داده، فقط در صورتی

می‌توانست با عرف صحیح مهندسی منطبق باشد که با همکاری نزدیک سازمان آب و برق صورت گرفته باشد، و علاوه بر آن چنین کاری بدون در دست داشتن نتایج اصلی تحقیقات مختلف زمین‌شناسی به طرز صحیح قابل انجام نبود. به نظر وی، مهندس مشاور در صورتی که یکی از مبانی واجب و ضروری کار خود - مثل نتیجه برنامه عملیات حفاری - را در اختیار نداشته باشد، باید کارش را متوقف نماید. آقای رامبرت برنامه حفاری را مهمترین عامل در انتخاب نوع نیروگاه، محل و ظرفیت و میزان قدرت آن می‌داند. کارشناس مزبور ضمن تأیید نتیجه‌گیری خود در مورد عدم تعلق حق الزحمه به کاری که خواهان در سال ۱۹۷۹ انجام داده، اظهار داشت که گرچه وی متوجه است که تمام کارهایی که خواهان در سال ۱۹۷۸ انجام داده رضایت بخش نبوده، و در عین حال کلیه کارهایی که وی در سال ۱۹۷۹ صورت داده نامطلوب نبوده، با اینحال به نظر وی دسامبر ۱۹۷۸ حد فاصل می‌باشد، چه طبق ادله و مدارک، وی (خواهان) برای تشخیص اینکه چه کارهایی صحیح بوده و چه کارهایی صحیح نبوده اطلاعات کافی در اختیار نداشته و "روش زود آغاز" (early start) خواهان با نظر سازمان آب و برق که روش turnkey را ترجیح می‌داده، منافات داشته است. این مطلب مورد تصدیق قرار گرفت که تعیین روز ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ (۷ دی ماه ۱۳۵۷) به عنوان حد فاصل تا اندازه‌ای اختیاری بوده لیکن کارشناس معتقد بود که چون خواهان می‌دانست که وی اطلاعاتی را که بر مبنای آن بتواند کار مفیدی انجام دهد در اختیار نداشت لذا می‌بایست کار را در دسامبر ۱۹۷۸، یعنی تاریخی که تماس نزدیک لازم بین کارفرما و مهندس از هر لحاظ قطع شد، متوقف ساخته و منتظر نتایج مطالعات زمین‌شناسی و نیز اطلاعات جاری سازمان آب و برق بماند.

سوم - دلایل حکم

۱۳ - بررسی ادله و مدارک پرونده حاضر روشن می‌سازد که کار مربوط به پروژه نیروگاه دوم با چند مشکل جدی مواجه شد که در هنگام ارزیابی ادعا باید ملحوظ گردد. سازمان

آب و برق دو مشغله فکری عمده داشت که وی راتحت فشارهای واقعی و غالباً متضادی قرار می‌داد. اولین نگرانی سازمان آب و برق این بود که برای احداث نیروگاه دوم قراردادی به قیمت مقطوع و غیر ادعائی منعقد نماید و هزینه های اضافی و تصاعدی را که سازمان مزبور مجبور شده بود برای ساختمان سد کارون و نیروگاه اول بپردازد، نداشته باشد، و دوم از تکمیل پروژه در حداقل مدت زمان ممکن اطمینان حاصل کند. هدف از این امر تاءمین نیروی "ذخیره محرکه ای" (spinning reserve) بود که برای جلوگیری از متلاشی شدن سیستم در اوایل دهه ۱۹۸۰، ضرورت داشت. چون، طبق پیش بینی قرار بود در آن هنگام بهره برداری از دو واحد اول نیروگاه هسته ای پوشهر آغاز و با خطوط جدید الاحداث انتقال نیرو، یک شبکه سرتاسری مرتبط به وجود آید. در جریان کار خواهان در سال ۱۹۷۸، هم فوریت و ضرورت پروژه و هم لزوم قرارداد غیر ادعائی دائماً به وی گوشزد می شد.

۱۴ - دیوان پس از استماع اظهارات طرفین و کارشناسان و پس از بررسی ادله و مدارک موجود در دیوان، متقاعد شده است که کار خواهان در سال ۱۹۷۹ منطبق با ضوابط صحیح مهندسی نبوده است. بقیه مکاتبات پراکنده خواهان اکثراً با مهاب، شریک خواهان، و نه با سازمان آب و برق که کارفرما وی بود، صورت گرفته است. با قطع ارتباط بین خواهان و سازمان آب و برق پس از دسامبر ۱۹۷۸، با توجه به رویدادهای انقلابی ایران در آنوقت خواهان می بایستی از سرعت کار خود می کاست، چه فقدان اطلاعات و ارتباط نارسا با سازمان آب و برق منجر به کاری می شد که هیچگونه فایده عملی برای کارفرما نداشت، زیرا چنین کاری فقط یک راه حل تئوریک و آکادمیک را ارائه می داد و نه راه حل عملی و واقع بینانه ای که فقط با همکاری نزدیک با کارفرما قابل حصول بود. بنابراین، کار انجام شده نارسا بوده و با ضوابط صحیح مهندسی منطبق نبوده است.

۱۵ - فوریت پروژه یکی از دلایلی است که خواهان جهت ادامه کارش در سال ۱۹۷۹ علیرغم قطع تماس موثر با سازمان آب و برق و عدم دسترسی به اطلاعات مهم زمین

شناسی، اقامه کرده است. هرچند سازمان آب و برق، در آغاز پروژه فوریت آنرا صریحا^{*} خاطر نشان ساخت، لیکن در سپتامبر ۱۹۷۸ فوریت پروژه کم شده بود. یادداشتهای خواهان از مذاکرات جلسه مهمی که بین مدیران ارشد دو طرف در روزهای ۱۳ و ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۸ (۲۲ و ۲۳ شهریور ماه ۱۳۵۷) تشکیل شد، حاکی است که مدت برنامه زمانی به میزان قابل ملاحظه ای افزایش یافته و اضافه می کند که "هرچند زمان حائز اهمیت است، با اینحال برخلاف همین دو هفته قبل، دیگر اهمیت فوق العاده ای ندارد." بعلاوه با افزایش اغتشاشات داخلی و اعتصابات در دسامبر ۱۹۷۸ و ژانویه ۱۹۷۹، این مطلب می بایستی برای خواهان روشن شده باشد که دست کم تکمیل پروژه های پوشهر و خطوط انتقال نیرو به تاخیر خواهد افتاد و لذا پروژه نیروگاه دوم را نیز می توان بدون واهمه به عهده تعویق انداخت.

۱۶ - دیوان داوری، همچنین متوجه اهمیت است که خواهان تا هنگام عزیمت کارکنانش در دسامبر ۱۹۷۸، برای برنامه زمین شناسی قایل بوده است. اهمیت فوق العاده برنامه حفاری در یادداشتهای جلسه مورخ ۱۳ و ۱۴ سپتامبر (۲۲ و ۲۳ شهریور ماه) خواهان صراحتا^{*} تایید شده است. در این یادداشتها آمده است که سازمان آب و برق این برنامه را تسریع خواهد کرد. برنامه حفاری دست کم از دو جنبه اهمیت داشت، اولاً، از نظر تامین دلائل قطعی از لحاظ زمین شناسی درباره مناسب بودن محل انتخاب شده جهت ساختمان نیروگاه و تاسیسات مربوط و ثانيا^{*} از نظر کاهش میزان خطرات برای پیمانکاران ساختمانی و از آن طریق کاهش هزینه یک قرارداد با قیمت مقطوع و غیر ادعائی برای سازمان آب و برق. در سپتامبر ۱۹۷۸ طرفین در مورد یک برنامه زمانی که متضمن تکمیل برنامه حفاری تا ۱۵ فوریه ۱۹۷۹ (۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۷) بود، به توافق رسیدند. معذک، ترتیبات قراردادی بعدی سازمان آب و برق برای مطابقت با برنامه زمانی مزبور کافی نبود. با اینکه یک دکل حفاری به کار انداخته شد و این دکل تا دسامبر ۱۹۷۸ هفته ای شش روز بطور شبانه روزی کار می کرد، با اینحال از تعداد ۶۰ فقره حفاری تعیین شده، فقط ۵ فقره را تکمیل کرد. بعلاوه در محل مورد نظر خواهان چاهی حفر نشد، و

دلیل آنهم حداقل تا حدی این بود که نقشه برداران سازمان آب و برق قبل از تعیین محل‌های صحیح حفاری اعتصاب کردند. مع الوصف، علی رغم در دست نبودن اطلاعات حفاری، که خواهان در سپتامبر ۱۹۷۸ آنرا "حساس" خوانده بود، نامبرده به تکمیل گزارش خود در مورد انتخاب محل در فوریه ۱۹۷۹ و طرح معماری و طرح نظری دیگر طبق برنامه زمانی کارها که در سپتامبر ۱۹۷۸ مورد توافق واقع شده بود، ادامه داد. علاوه بر این، خواهان بدون مشورت با سازمان آب و برق محلی را انتخاب کرد، حال آنکه موافقت سازمان با محل انتخاب شده ضروری بود. پیش نویس اسناد مناقصه تنظیمی خواهان، با گذاردن خطرات مربوط به زمین شناسی بر دوش پیمانکار ساختمانی، سازمان آب و برق را در برابر ادعاهای احتمالی مصون نگه می داشت. ولیکن فقدان اطلاعات حفاری مسلماً منجر به قیمتهای بالاتری به دلیل نامعلوم بودن میزان خطرات می گردید.

۱۷ - دیوان داوری با این نظر کارشناس موافق است که بدون وجود اطلاعات زمین شناسی لازم و همکاری نزدیک و مستمر با کارفرما، پیشنهادهای مناقصه یا یک طرح نظری نمی‌توان مقایسه کرد. تصمیم خواهان به ادامه کار پس از ترک ایران و انتخاب محلی بدون موافقت سازمان آب و برق، علی رغم آگاهی از اهمیت همکاری با کارفرما، بدان معنی بود که خواهان راساً "خطر ناشی از این کار را پذیرفته است". کاری که در سال ۱۹۷۹ انجام شده در خلاء انجام گرفته، ارزش نظری محدودی داشته و فایده عملی آن برای سازمان آب و برق هیچ بوده است. هرچند محتمل است که فایده پاره ای از کارهایی که خواهان قبل از دسامبر ۱۹۷۸ داده، برای سازمان آب و برق محدود بوده باشد، با اینحال، دیوان براساس ادله و مدارک موجود نتیجه می گیرد که این کارها اساساً به طور کافی و صحیح و طبق ضوابط صحیح مهندسی انجام شده است. دیوان داوری متوجه است که تعیین حد فاصلی به ترتیبی که کار خواهان بعد از آن تاریخ فاقد ارزش تلقی شود، مشکل است و از آنجا که مبنای عمل طرفین متفاوت است چنین حد فاصلی جنبه اختیاری خواهد داشت. لذا دیوان مبلغ ۱،۲۲۵،۴۶۴/۵۵ دلار امریکا را که کارشناسان به عنوان طلب خواهان تعیین کرده‌اند، پذیرفته و آنرا در حکم منظور می کند.

چهارم - بهره

برای جبران خسارات وارده به خواهان در اثر تاخیر در پرداخت، به نظر دیوان منصفانه است که از تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ (۷ دی ماه ۱۳۵۷) بهره ساده ای به نرخ ۱۱/۵ درصد در سال نسبت به مبلغ پرداخت نشده صورتحسابهای قابل پرداخت خواهان، به نامبرده پرداخت شود.

پنجم - هزینه ها

۱۹ - در جریان رسیدگی به این پرونده، خواهان ملزم گردید که مبلغ ۵۲,۵۰۰ دلار امریکا بابت هزینه کارشناسان منصوب دیوان تودیع نماید. هزینه واقعی بالغ بر ۵۲,۴۱۷/۹۵ دلار گردید و از مبلغ تودיעی ۸۲/۰۵ دلار نزد دیوان باقی مانده است. خدمات کارشناسان اساساً به علت پیچیدگی فنی کار انجام شده توسط خواهان، ضروری بود. در شرایط پرونده حاضر، دیوان داوری معتقد است که خواهان و سازمان آب و برق باید این هزینه ها را بالسویه تقبل نمایند. مبلغ ۸۲/۰۵ دلار مانده نزد دیوان باید به خواهان مسترد شود.

ششم - حکم

۲۰ - به دلایل پیش گفته،

(الف) خوانده، سازمان آب و برق خوزستان، متعهد است مبلغ یک میلیون و دویست و بیست و پنج هزار و چهار صد و شصت و چهار دلار و پنجاه و پنج سنت امریکا

(۱۰۲۲۵،۴۶۴/۵۵ دلار) به اضافه بهره ساده به نرخ ۱۱/۵ درصد در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ (۷ دی ماه ۱۳۵۷) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین بدهد، به اضافه مبلغ بیست و شش هزار و دو بیست و هشت دلار و نود سنت امریکا (۲۶،۲۰۸/۹۰ دلار) به عنوان بخشی از هزینه های کارشناسی به خواهان، چاس تی. مین اینترنشنال اینک، پردازد.

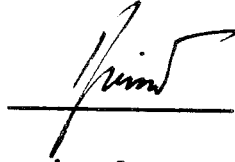
(ب) تعهدات مزبور با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر اسقاط خواهد شد.

(ج) در رابطه با کلیه هزینه های داوری غیر از هزینه های کارشناسی، هر طرف هزینه های خود را متقبل خواهد شد.

(د) دبیرکل دیوان داوری مبلغ هشتاد و دو دلار و پنج سنت امریکا (۸۲/۰۵ دلار) به خواهان، چاس تی. مین اینترنشنال اینکورپوریتد پرداخت خواهد کرد.

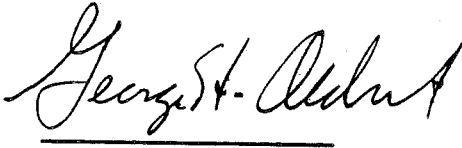
(هـ) بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان داوری تسلیم می شود.

لاہہ، بہ تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۶ برابر با ۳۰ خرداد ماہ ۱۳۶۵

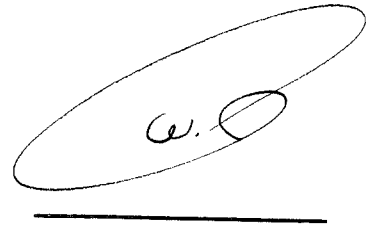


روبرت پیرینر
رئیس شعبہ دو

بہ نام خدا



جرج اچ. آلدریچ
نظر موافق



حمید بہرامی - احمدی
موافق با قسمتی
مخالف با قسمتی
بہ نظر جداگانہ مراجعہ شود